

تشکيلات فراماسونري در دهه پاياني رژيم پهلوي

(۱۳۴۷-۱۳۵۷)

نويسنده

موسي فقيه حقاني

مقدمه

۱-۱. فراماسونری سازمانی است مبتنی بر نهان روشی و پنهانکاری که در سرتاسر جهان گسترش یافته است. پیشینه این سازمان به طور روشن و به دور از اوهام و افسانه‌های رایج در بین اعضای آن به اوایل سده هجدهم میلادی بازمی‌گردد. نضج گرفتن این سازمان در آن ایام در ارتباط تنگاتنگ با رشد بورژوازی در غرب و تکاپوهای آن برای در دست گرفتن قدرت در جامعه فئودالی اروپا است. با قدرت گرفتن و حاکمیت بورژوازی در اروپا، استعمار شرق برای دسترسی به منابع ذی‌قیمت و بازار آن مورد توجه بورژوازی غربی قرار گرفت. تشکیلات فراماسونری در این برهه از تکاپوی غربیان، به عنوان ابزاری کارآمد با وظیفه جذب نخبگان جوامع شرق وارد مشرق زمین شد و توانست با جذب و تربیت نخبگان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی این جوامع زمینه‌های سلطه‌گری استعمار غرب را فراهم نماید. ایران به عنوان کشوری دارای موقعیت سوق‌الجیشی در این دوره سخت مورد توجه کشورهای استعمارگر قرار گرفت. در اثنای جنگهای دوره اول ایران و روسیه اولین فرستادگان سیاسی ایران به فرانسه و انگلستان وارد لژهای فراماسونری شدند و در پی آنان، محصلان و هیأت‌های سیاسی دیگری که عازم اروپا شدند به عضویت سازمان مزبور در آمدند، رشد تعداد اعضای این سازمان در ایران، زمینه را برای ایجاد شعبه‌های آن تشکیلات فراهم ساخت. لژ بیداری ایران به عنوان نخستین لژ رسمی فراماسونری در ۱۳۲۴ قمری در تهران دایر گردید. روند کند تأسیس لژهای ماسونی در ایران، در دوران پهلوی به ویژه دهه پایانی عمر آن رژیم بسیار سرعت گرفت. تأسیس لژ بزرگ ایران در ۱۳۴۷ و شورای عالی آیین اسکاتی در ۱۳۴۹ که بر بیش از هفتاد محفل ماسونی در درجات مختلف نظارت و حاکمیت داشتند بیانگر رشد روزافزون تشکیلات فراماسونری در ایران آن عصر است. در این

پژوهش سعی می‌شود که با ذکر مقدمه‌ای از فعالیتهای اولیه فراماسونری در ایران، تکاپوی این سازمان در دهه پایانی رژیم پهلوی مورد بررسی قرار بگیرد.

۱-۲. بیان مسئله: دهه پایانی عمر رژیم پهلوی، در تاریخ تکاپوی فراماسونری در ایران از ویژگی خاصی برخوردار است. تشکیل لژ بزرگ ایران در ۱۳۴۷ و شورای عالی آیین اسکاتی در ۱۳۴۹ و تأسیس دهها لژ و محفل وابسته به این دو نهاد در طی سالهای مورد بحث حکایت از استقبال روزافزون نخبگان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی وابسته به رژیم پهلوی از تشکیلات مزبور دارد. این رشد روزافزون باعث شد معیارهای گزینشی لژهای ماسونی نیز تحت تأثیر قرار گرفته و با تساهل بیشتری افراد جذب فراماسونری شوند. به همین جهت آمار پذیرش عضو نیز در این دوره به شدت افزایش یافت. تأثیر بدون انکار عضویت در لژهای ماسونی در ارتقای شغلی و تثبیت موقعیت سیاسی - اجتماعی افراد در این افزایش تقاضای عضویت بسیار مؤثر بود. انتشار چندین کتاب و مقاله در همین دوره که به نفع و یا بر علیه فراماسونری انتشار یافت ویژگی دیگر این دوره است که آن را از سایر دوره‌های فعالیت فراماسونری در ایران متمایز می‌سازد. این امر دو پیامد مهم در برداشت. اولین پیامد آن علنی شدن وجود لژهای ماسونی در ایران و افشای افراد وابسته به آن تشکیلات بود که بعضاً در مراتب عالی تشکیلاتی رژیم گذشته قرار داشتند. دومین پیامد این اقدام از یکسو جذب بیشتر سازمانهای ماسونی به دستگاه رژیم پهلوی و در نتیجه کنترل کامل این تشکیلات توسط محمدرضا شاه بود. گفتنی است که ماسونهایی که چهره آنها افشا شده بود چاره‌ای جز پناه بردن به دامان شاه به عنوان حامی قدرتمند خود نداشتند. عدم برخورد جدی با وابستگان به سازمان فراماسونری از سوی دیگر باعث شد که تمایل به عضویت در سازمان مزبور در بین رجال وابسته به رژیم گذشته شدت پیدا کند. حضور نخست‌وزیر، رؤسای مجلسین سنا و شورای ملی، دهها وزیر کابینه و نمایندگان مجلس و صاحبان صنایع و اساتید دانشگاهها و... در تشکیلات فراماسونری باعث شد که افکار افراد جویای موقعیت اجتماعی - سیاسی به این سازمان جلب شود. پژوهش حاضر از آنجا که متکی بر هزاران سند بجا مانده از فعالیت لژهای ماسونی در ایران است. و نیز به جهت پرداختن به فعالیت این تشکیلات در دهه پایانی عمر رژیم پهلوی از سایر پژوهشهای موجود که عمدتاً مربوط به قبل از این تاریخ می‌باشد متمایز می‌گردد. گفتنی است که کتب و رسائل منتشره در بعد از انقلاب اسلامی بعضاً اشاره‌ای به فعالیت لژهای فراماسونری در این دوره دارند که از انسجام و جامعیت

لازم برخوردار نیست.

۱-۳. هدف پژوهش: روشن کردن ماهیت لژهای فراماسونری، اصول تعالیم فراماسونری، معرفی تشکلهای ایجاد شده در زمان مورد نظر رساله و نقش آنان در تحولات این دوره از جمله اهداف رساله می‌باشد.

۱-۴. اهمیت موضوع پژوهش: تأثیر فوق‌العاده فراماسونری در تحولات تاریخ معاصر ایران و عضویت سران کشور در دوره پهلوی در تشکیلات مزبور به این سازمان اهمیتی زیاد بخشیده بود، به نحوی که نظرات رؤسای لژهای ماسونی و تصمیمات متخذه در لژها تأثیر زیادی در روند وقایع و تصمیم‌گیریهای آن دوره داشت. لذا برای درک بهتر تاریخ دوران قاجار و پهلوی ناگزیر هستیم که شناخت جامع و کاملی از تشکیلات فراماسونری داشته باشیم. البته بزرگ‌نمایی و ساده‌انگاری دو آفتی است که ممکن است دامگیر هر پژوهشگر تاریخ فراماسونری گردد که می‌بایست جداً از آنها پرهیز نمود.

۱-۵. فرضیه یا پرسش پژوهش: فرضیه اساسی این پژوهش عبارت است از اینکه تشکیلات فراماسونری در ایران وابسته به سازمان جهانی فراماسونری بوده و هدف آن وابسته نمودن کشور به نظام سلطه جهانی از طریق جذب نخبگان ایرانی بوده است. پرسشهای اساسی این پژوهش عبارتند از:

الف: ماهیت لژهای ماسونی و اصول و تعالیم آن چیست؟

ب: تشکیلات فراماسونری تا قبل از ۱۳۴۷ چه شرایطی داشت؟

ج: تشکیلات فراماسونری در دهه پایانی رژیم گذشته ۱۳۴۷-۱۳۵۷ چه وضعیتی داشت؟

۱-۶. تعریف عملیاتی متغیرها: متغیر مستقل این پژوهش عبارت است از پدیده فراماسونری و تشکیلات آن.

لژها، انجمن‌ها و محافل فراماسونری که مورد بررسی قرار گرفته است متغیر وابسته این پژوهش است.

۱-۷. پیشینه پژوهش: در زمینه تشکیلات فراماسونری در ایران و جهان، کتب و مقالات مختلفی به چاپ رسیده است که عمدتاً به بحث فراماسونری در جهان و اندکی به بحث فراماسونری در جهان و ایران تا سال ۱۳۴۷ شمسی پرداخته‌اند. مهمترین این منابع عبارتند از:

الف: فراموشخانه و فراماسونری در ایران، تألیف اسماعیل رائین در سه جلد. این

کتاب در واقع عمده‌ترین اثر در زمینه تاریخ فراماسونری در جهان و ایران به زبان فارسی می‌باشد. اثر مزبور تشکیلات فراماسونری را تا سال ۱۳۴۷ مورد بررسی قرار داده است و علی‌رغم اینکه جامع‌ترین اثر به زبان فارسی در این زمینه می‌باشد، دارای کاستیهایی نیز می‌باشد که به پاره‌ای از آنها در این پژوهش اشاره شده است. غرض‌ورزیهای سیاسی راین تا حدودی از اعتبار علمی این اثر کاسته است.

ب: فراماسونری چیست؟ اثر ابراهیم الفت (از اعضای تشکیلات فراماسونری) الفت این کتاب را در پاسخ به کتاب راین تهیه نموده است و منابع اصلی آن را دائرةالمعارفهای نظیر لاروس و بریتانیکا تشکیل می‌دهد. اثر الفت که قرار بود در دو جلد چاپ شود، قبل از انقلاب منحصراً در اختیار ماسونها قرار گرفت و فقط جلد اول آن به چاپ رسید. نویسنده وعده داده بود که در جلد دوم به معرفی تشکیلات فراماسونری در ایران خواهد پرداخت که این وعده عملی نشد. این کتاب اثری است جانبدارانه از فراماسونری.

د: فراماسونری در ایران، تألیف محمود کتیرایی. این کتاب که همزمان با انتشار کتاب راین در ۱۳۴۷ منتشر شده به بررسی تاریخ فراماسونری در ایران تا تشکیل لژ بیداری ایران در سال ۱۳۲۴ قمری می‌پردازد. کتیرایی اطلاعات مفید ولی ناقصی از چگونگی تشکیل لژ بیداری ایران را ارائه می‌دهد.

ه: درآمدی بر تاریخ فراماسونری در ایران. عنوان مقاله‌ای است از حامد الگار. وی در طی این مقاله به بررسی پیشینه ورود فراماسونری به ایران پرداخته و مطالبی را در خصوص فراموشخانه ملکم، جامع آدمیت و لژ بیداری ایران ارائه می‌نماید.

و: تشکیلات فراماسونری در ایران، اثر حسین میر. این کتاب پس از انقلاب چاپ شده و به علت دسترسی نویسنده به بخش اندکی از اسناد بجا مانده از تشکیلات شورای عالی آئین اسکاتی حاوی اطلاعات جالبی می‌باشد. متأسفانه عدم اطلاع کامل نویسنده از ماهیت و تکاپوی فراماسونری موجب شده است که اشتباهات مختلفی در زمینه جایگاه شورای عالی در سازمان جهانی فراماسونری در تحلیلهای ایشان بروز نماید.

ز: تاریخ جنبشها و تکاپوهای فراماسونگری در کشورهای اسلامی: تألیف دکتر عبدالهادی حائری. مرحوم دکتر حائری در این اثر سعی داشت که تصویری کلی از تکاپوی فراماسونری در کشورهای اسلامی ارائه دهد. لذا اطلاعات ارائه شده در این

کتاب بسیار کلی است. حسن این کتاب در این است که نویسنده محترم آن برای اولین بار تکاپوی فراماسونری را در مجموعه کشورهای اسلامی مورد توجه قرار داده است. استفاده ایشان از برخی منابع نایاب بر حسن اثر افزوده است.

۸-۱. روش پژوهش: روش این پژوهش کتابخانه‌ای است.

۹-۱. جامعه آماری: بیش از پنج هزار سند و دهها عنوان کتاب فارسی و خارجی و نیز نشریه برای تهیه این اثر مورد مطالعه و بعضاً مورد استفاده قرار گرفته است.

۱۰-۱. شیوه نمونه‌گیری: در این پژوهش از روش نمونه‌گیری استفاده نشد و کلیه اسناد و منابع مربوطه مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

۱۱-۱. روش جمع‌آوری اطلاعات: در این پژوهش ابتدا کلیه اسناد و منابع مورد نظر مطالعه، فیش‌برداری و تنظیم موضوعی گردیده است. همچنین با چند تن از اعضای سابق تشکیلات فراماسونری مصاحبه به عمل آمده که متأسفانه اطلاعات چندانی در اختیار نگارنده قرار ندادند.

بررسی منابع

منابع موجود در خصوص فراماسونری و تاریخچه آن به زبان فارسی تا قبل از انقلاب اسلامی از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند و متأسفانه هیچ کدام از جامعیت لازم برخوردار نیستند، اگر از اشاره پراکنده مطبوعات آن دوره که عمدتاً اشاراتی گذرا و مبهم و بعضاً در حد افشاگری سیاسی محسوب می‌شود و در راستای منافع رژیم گذشته تفسیر می‌گردد بگذریم کتاب فراماسونری در ایران اثر محمود کتیرائی که توسط انتشارات اقبال در ۱۳۴۷ نشر یافت، کتاب سه جلدی فراموشخانه و فراماسونری در ایران اثر اسماعیل رائین که توسط مؤسسه تحقیقاتی رائین در سال ۱۳۴۷ منتشر شد و کتاب فراماسونری چیست اثر ابراهیم الفت، نشر امیر در ۱۳۴۹ را می‌توان نام برد که بیشترین اطلاعات را در زمینه تاریخچه فراماسونری در ایران و جهان به زبان فارسی در برداشت. البته کتاب سازمان جهانی فراماسونری، اثر ولی‌الله یوسفیه که توسط نشر زهره در ۱۳۵۲ چاپ شد را نیز می‌توان در زمره کتب مزبور به حساب آورد. منابع نشر شده پس از انقلاب نیز عمدتاً دچار ازهم‌گسیختگی اطلاعاتی است و تاکنون منبع جامعی که در برگیرنده مطالب کاملی در خصوص فعالیت این سازمان در ایران باشد تهیه نگردیده است. پنهان‌کاری فراماسونها و پراکندگی اسناد باقیمانده از آنها پس از انقلاب اسلامی تهیه چنین منبعی را عملاً با مشکل مواجه ساخته است.

۱. مهم‌ترین کتابی که قبل از انقلاب اسلامی ایران به چاپ رسید اثر سه جلدی اسماعیل رائین است که هر سه جلد آن به ادعای رائین برای اولین بار در دی ماه ۱۳۴۶ در ایتالیا به چاپ رسید و در آبان و دی ماه ۱۳۴۷ با مجوز شماره ۱۰۴۱ و ۱۲۴۸ کتابخانه ملی ایران برای دومین بار به چاپ رسید. انتشار با مجوز این سه جلد کتاب غوغای عجیبی در محافل سیاسی آن دوره ایجاد نمود، علاوه بر انتشار کتابهای مزبور با

مجوز کتابخانه ملی، دسترسی راین به اسناد و مدارک درون سازمانی فراماسونری در ایران جای هیچ شکی را باقی نگذاشت که این اقدام با موافقت دربار و دستگاه اطلاعاتی رژیم پهلوی صورت گرفته است. بعد از انقلاب اسناد و مدارک بجا مانده از راین نشان داد که نامبرده دارای همکاری نزدیک با ساواک بوده و در راستای انجام مأموریتی خاص که در واقع عبارت بود از افشای مهره‌های قدیمی وابسته به سیاستهای انگلستان به نفع مهره‌های وابسته به آمریکا اقدام به چاپ این اثر نموده است. ارتشبد فردوست اقدام راین را در راستای تأمین منافع آمریکا در ایران تعبیر می‌نماید.^۱ سرتیپ منوچهر هاشمی نیز ضمن تأکید بر همکاری راین با شعبه ساواک در استان فارس برای شناسایی عوامل وابسته به فراماسونری می‌نویسد: «روزی راین به من مراجعه کرد و خبر مرگ محمدخلیل جواهری را به من داد»^۲ براساس اظهارات وی مأموران ساواک با راهنمایی راین به همسر جواهری مراجعه کردند و در مقابل دادن وجه اندکی کلیه اسناد به جا مانده از وی را تحویل گرفته و سپس در اختیار راین قرار می‌دهند و بدین ترتیب راین براساس اسناد محمدخلیل جواهری و اسناد تهیه شده توسط ساواک به تدوین کتاب فراموشخانه و فراماسونری در ایران می‌پردازد. براساس ادعای هاشمی جلد چهار کتاب نیز توسط راین نوشته شده است.

جلد اول این کتاب اختصاص به پیدایش فراماسونری در جهان، مجامع سری در ایران و فراموشخانه ملکم، جامع آدمیت و مجمع آدمیت دارد. جلد دوم کتاب دربرگیرنده مباحث مربوط به تشکیل نخستین لژهای فراماسونری ایران نظیر لژ بیداری ایران، لژ خزعل، مداخله فراماسونها در وقوع انقلاب مشروطه است. در جلد سوم به معرفی لژهای فعال در دوره پهلوی تا ۱۳۴۷ می‌پردازد. جلد سوم کتاب از آنجا که دربردارنده اسامی تعداد زیادی از وابستگان به رژیم گذشته بود بسیار سر و صدا به راه انداخت. اهانت و جوسازی راین بر علیه سید جمال‌الدین اسدآبادی در جلد اول این کتاب، حذف اسامی برخی از فراماسونها از لیستهای مختلف و بزرگ‌نمایی در خصوص افرادی نظیر اسداله علم بیانگر این است که این اثر فاقد روح و وجدان علمی لازم برای بررسی مسائل تاریخی است. عمده‌ترین مزیت اثر راین اتکای وی بر اسناد و نشر آنها برای اولین بار است که صرف‌نظر از مسائل پشت‌پرده سیاسی گامی ارزشمند در معرفی

۱. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی تهران. ۱۳۷۰، ج ۱ صص ۳۷۲ - ۳۷۳.

۲. منوچهر هاشمی. داوری (سخنی در کارنامه ساواک). انتشارات ارس، لندن، ۱۳۷۳ صص ۲۶۱-۲۶۴.

این سازمان محسوب می‌شود. برخی از ایرادات وارد بر اثر راثین عبارت است از اینکه عمده مطالب این اثر را بحث در مورد لژهای آبی یا سه درجه‌ای تشکیل می‌دهد، در خصوص درجات عالی راثین غیر از اشاره به چند نام و بیان اسامی درجات آیین اسکاتی و اسامی شاپیتر مولوی، داریوش و خیام به مطلب دیگری در این زمینه اشاره نمی‌کند و این در حالی است که در زمان طبع اثر مزبور همان طور که ذکر شد چندین سازمان وابسته به آیین اسکاتی و بزرگ شاپیتر عالی اسکاتلند در ایران فعالیت می‌نمودند، راثین همچنین علی‌رغم نام بردن از انجمن خواجه نصیرالدین طوسی از ذکر وابستگی این انجمن به شورای عالی آیین اسکاتی خودداری می‌کند و اساساً مسئله وجود تشکیلات آیین اسکاتی در اثر سه جلدی راثین مطرح نمی‌شود، آنچه مطرح می‌شود فقط در مورد وجود افراد ماسون دارای درجه عالی در ایران است که آن هم محدود به چند دیپلم فراماسونری در این خصوص و اسامی چند ماسون ایرانی است که قبلاً ذکر شد. آنچه در این خصوص قابل تأمل است اشتباهی است که در زیرنویس این دیپلم‌ها مشاهده می‌شود، با توجه به عدم طرح مسئله تشکیلات آیین اسکاتی در ایران از سوی راثین ممکن است این اشتباهات نیز عمداً صورت گرفته باشد، برای روشن شدن این موضوع موارد مزبور را در اینجا بیان می‌نمائیم: در صفحه ۳۹ جلد سوم این اثر دیپلم فراماسونری حسین فرهودی که توسط المجلس السامی ... به درجه هجده ارتقاء داده شده بود چاپ شده که در زیرنویس آن آمده: «دیپلم فراماسونی درجه سی و سه حسین فرهودی استاد دانشگاه» در صفحه ۴۱-۴۰ همین اثر ایضاً اشتباه فوق تکرار شده است منتهی در مورد علی اشرف احمدی و محمد قریشی، در صفحات ۳۶۱-۳۶۰ نیز دو دیپلم چاپ شده یکی مربوط به ارتقای سعید مالک به درجه سی آیین اسکاتی است که در زیرنویس آن نوشته شده: «دیپلم استادی لژ همایون دکتر سعید مالک» و دیگری مربوط به ارتقای محمود ساعد به درجه هجده آیین مزبور که در زیرنویس آن نیز نوشته شده: «دیپلم استادی محمد ساعد نخست‌وزیر اسبق در لژ همایون» لازم به ذکر است نام لژ در متن فرمان «پهلوی» آمده ولی راثین نام لژ را در زیرنویس به «همایون» تغییر داده است.^۳

۲. فراماسونری چیست؟ اثر ابراهیم الفت، دومین اثری است که به بررسی آن

۳. اسماعیل راثین. فراموشخانه و فراماسونری در ایران، ج ۳، صص ۳۹-۴۱ و ۳۶۰-۳۶۱.

می‌پردازیم، مطالب این کتاب برگرفته از دائرةالمعارفهای معروف جهان است و توسط ابراهیم الفت که خود ماسون بود گردآوری شده، مطالب کتاب به همین دلیل از انسجام لازم برخوردار نیست، مضافاً اینکه نویسنده نیز از بیان پاره‌ای مطالب لازم خودداری نموده است، با همه این تفصیل کتاب مزبور حاوی اطلاعاتی در مورد آیین اسکاتی و تشکیلات آن در جهان می‌باشد اما در مورد ایران مطلبی در این کتاب وجود ندارد. و نویسنده وعده نموده بود که در جلد دوم به این مسئله بپردازد.

۳. تشکیلات فراماسونری در ایران اثر حسین میر، کتاب دیگری است که اخیراً به چاپ رسید. این کتاب اولین اثری است که در آن تعدادی از اسناد مربوط به شورای عالی به چاپ رسیده و از این جهت اثر باارزشی است ولی متأسفانه نویسنده محترم کتاب احتمالاً به جهت عدم دسترسی به اسناد کافی تصویر روشنی از این تشکیلات و تفاوت آن با دیگر تشکلهای ماسونی موجود در ایران ارائه نمی‌کند و دچار اشتباهاتی در این خصوص شده‌اند که اهم آن عبارت است از:

الف: در صفحه ۱۳۹ کتاب مزبور آمده: «تشکیلات مخفی دو رده کلی سازماندهی شده است: ۱. فراماسونری سه درجه‌ای ۲. فراماسونری سی و سه درجه‌ای» با توجه به مطالبی که ذکر شد وجود آئین‌های مختلف در فراماسونری، تقسیم تشکیلات مخفی فراماسونری به دو رده صحیح به نظر نمی‌رسد.

ب: در صفحه ۴۰ این کتاب با استفاده از کتاب برادری نوشته استفن نایت آمده که «فراماسون پس از طی مرحله استادی و همکاری ممتد در این سمت به درجات بالاتر که از حوزه اطلاع اکثر اعضای تشکیلات نیز خارج است ارتقاء می‌یابد» از این گفتار چنین برمی‌آید که هر ماسونی اگر به درجه استادی برسد پس از مدتی همکاری به درجات بالاتر ارتقاء می‌یابد، ولی همانطور که قبلاً ذکر شد سیر به درجات بالاتر از درجه استادی اختصاص به آیین‌هایی دارد که معتقد به درجات بالاتر می‌باشند و این امر در لژهای رمزی وجود ندارد، مسئله بعدی قضیه عدم اطلاع اکثر اعضای تشکیلات از درجات بالاتر از درجه استادی می‌باشد، این امر نیز به نظر صحیح نمی‌رسد، چرا که وقتی فردی به آیین خاصی از فراماسونری می‌گردد دقیقاً از تعداد درجات آن باخبر می‌شود و یک استاد ماسون در آئین اسکاتی حتماً از درجات بالاتر مطلع می‌باشد.

ج: در صفحه مزبور همچنین عنوان می‌شود که لژهای فراماسونی در هر کشوری به یک شورای عالی سرسپرده‌اند، نویسنده این نکته را از کتابهای فراماسونری چیست ص ۶۷

و ۹۴ و برادری تألیف استفن نایت ص ۶۲ اخذ نموده است، همان طور که قبلاً ذکر شد فراماسونری از سازمان متنوعی برخوردار است و هر کدام از سازمانهای منسوب به این آیین دارای قوانین خاصی برای خود می‌باشند، بنابراین تعمیم سرپرستی شورای عالی به تمامی لژهای صحیح نبوده و شورای عالی فقط بر لژ و کارگاههای آیین اسکاتی نظارت و سرپرستی دارد.

د: در صفحه ۴۳ کتاب مذکور آمده: «فراماسونهای ایران به طریقت اسکاتی که آن را طریقت اسکاتی کهن و پذیرفته شده می‌نامند و طریقت فرانسوی، وابسته بوده‌اند». عدم صحت این مطلب با توجه به فعالیت گسترده آیین رمزی و لژهای انگلیسی در ایران و وابستگی تعدادی از ایرانیان به این آیین واضح و مبرهن می‌باشد و بهتر است گفته شود تعدادی از ایرانیان وابسته به آیین اسکاتی و طریقت فرانسوی بودند.

ه: در صفحه ۵۰ کتاب، انجمن رایداری سقراط وابسته به لژ بزرگ ایران قلمداد شده، در حالی که انجمن مزبور وابسته به شورای عالی ایران بوده و هیچ ارتباطی با لژ بزرگ ندارد.

۳. مقاله فراماسونری در ایران - ابهام در تاریخنگاری فراماسونری ایران - سومین اثری است که به بررسی آن می‌پردازیم، این مقاله در اولین شماره مجله مطالعات سیاسی از انتشارات موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی درج شده و حاوی مطالبی در خصوص فراماسونری در ایران و درجات عالی می‌باشد، مطالبی که در این مقاله در خصوص درجات عالی ذکر شده از جهاتی قابل تأمل است که به ذکر آنها می‌پردازیم:

الف: در ابتدای مقاله مزبور آمده: «فراماسونری دارای یکی از پیچیده‌ترین و ناشناخته‌ترین ساختهای تشکیلاتی در جهان است و با شعار نظم به جای بی‌نظمی سازمانگری و پنهان‌کاری را در بنیاد طریقت خود قرار داده است» در اینکه فراماسونری دارای تشکیلاتی پیچیده و ناشناخته است بحثی نیست ولی این مطلب که فراماسونری با شعار نظم به جای بی‌نظمی (ORdo Ab ChAo) سازمانگری و پنهان‌کاری را در بنیاد طریقت خود قرار داده باشد صحیح به نظر نمی‌رسد، چرا که این شعار فقط تعلق به آیین اسکاتی دارد و فراماسونری در آیین و درجات دیگر شعار خاص خود را دارد مانند روشنایی و تاریکی (Luxetnehiis) که شعار ماسونری باستانی است، قدویست خدای راست (Holinesstothe Lord) در ماسونری شاپیتر، به اشاره او ظفر خواهی یافت

(Inhoc signovinces) در ماسونری تامپلیه‌ها^۴ و...، بنابراین مشاهده می‌کنیم که طریقت‌های ماسونی دارای شعارهای مختلفی می‌باشند و شعار نظم به جای بی‌نظمی هم براساس اصل پنجم از اصول نه‌گانه شورای عالی اختصاص به آیین اسکاتی دارد ولی آیین‌های دیگر فراماسونری نیز بدون تمسک به این شعار معتقد به سازمانگری و پنهان‌کاری می‌باشند و این امر ناشی از ماهیت و ذات این طریقت می‌باشد نه شعار مزبور.

ب: در صفحه ۴۱ مزبور آمده: «طبق آیین کهن اسکاتلندی (اسکاتی) که مرسوم‌ترین طریقت ماسونی در جهان است»، اطلاق صفت مرسوم‌ترین طریقت ماسونی به آیین اسکاتی با توجه به بیشتر مرسوم بودن آیین رمزی به نظر نمی‌رسد که صحیح باشد.

د: در صفحه ۴۲ مقاله آمده: «هدایت لژهای اعطا کننده درجات عالی با شورای طریقت ماسونی است که از فراز قله‌ای که بارگاه خوانده می‌شود بر مجموعه سازمان ماسونی اعم از گراندلژها و تشکیلات درجات عالی نظارت می‌کند»، مشخص نیست که این مطلب از چه مأخذی گرفته شده است و سندی نیز در این خصوص ارائه نشده، براساس قانون اساسی گراند اوریان که قبلاً برای فرانسه شورای عالی محسوب می‌شد شورای طریقت فقط بخشی از تشکیلات شورای عالی است و خود زیر نظر مجمع عمومی کار می‌کند و در مقابل مجمع مزبور مسئول می‌باشد در بند ۳۰ و ۳۱ قانون اساسی گراند اوریان می‌خوانیم: بند ۳۰- «شورای طریقت نگهبان قانون اساسی است و اجرای قوانین ماسنی و آراء مجمع عمومی و احکام عدلیه ماسنی با اوست، روابط شرق اعظم ادارات دولتی و هیئت‌های ماسنی فرانسه و خارجه به دست اوست، تعیین ضامنهای دوستی شرق اعظم در نزد هیئت‌ها با اوست»^۵.

بند ۳۱- ... هر سال شورای طریقت راپورت اعمال خود را به مجمع عمومی می‌دهد... اعضای شورا منفرداً در مقابل مجمع عمومی مسئول اجرای مأموریت خود می‌باشند.^۶ از این دو بند کاملاً مشخص می‌شود که شورای طریقت به منزله قوه مجریه شورای عالی است نه ناظر مجموعه سازمان ماسونی، در بند ۲۷ قانون اساسی گراند اوریان که به بررسی وظایف مجمع عمومی می‌پردازد این امر روشن تر می‌شود: «مجمع عمومی شرق اعظم قوه مؤسسه و قوه مقننه هیئت اتحادیه است (هیئت اتحادیه

۴. ابراهیم الفت. فراماسونری چیست؟ ص ۲۵۴.

۵ و ۶. راتین. ج ۲ ص ۵۱۱. قانون اساسی گراند اوریان فرانسه.

مجموعه لژهای تابع یک قانون اساسی است) و درباره پیشنهاد لوایح قانون اساسی یا قوانین دیگر که به او تقدیم می‌شود مگر پس از آنکه از لژها کسب رأی کند، حکم درباره راپورت اداری که شورای طریقت پیشنهاد می‌کند نیز با مجمع عمومی است»^۷. بنابر آنچه که ذکر شد مجمع عمومی از قدرت بیشتری نسبت به شورای طریقت برخوردار است، همین اشتباه باعث شده که در صفحه ۵۴ مقاله مزبور خبر ایجاد شورای طریقت آورده شود، در این صفحه می‌خوانیم: «تشکیلات ماسونی تابع لژ بزرگ ملی فرانسه در کنار لژ بزرگ ناحیه ایران که کارکرد سازماندهی و اداره لژهای پایه را به عهده داشت به تأسیس شورای طریقت نیز دست زد که کارکرد ارتقاء ماسونها از درجه ۴ به بالا را به عهده داشت و در راس آن برادران هومن قرار داشتند، اطلاع مختصر و مبهمی که راین درباره شاپیتر مولوی بدست می‌دهد نخستین اطلاع از لژهای درجه عالی ماسونی در ایران است که تاکنون منتشر نشد. همان طور که در مقالات آینده خواهیم دید تداوم همین نهاد بود که در اسفند ۱۳۴۷ به تأسیس شورای عالی ماسونی ایران به فرمانروایی دکتر محمود هومن انجامید» در مورد این مطالب چند نکته قابل تأمل وجود دارد. ۱. تشکیل سازمانی به نام شورای طریقت توسط تشکیلات ماسونی تابع لژ بزرگ ملی فرانسه و شاپیتر مولوی از جمله مواردی است که تاکنون هیچ سندی در مورد آن دیده نشده و حتی مجله مطالعات سیاسی در خصوص وجود چنین تشکیلاتی سندی ارائه ننموده، ظاهراً این مطالب مبتنی بر حدس و گمان و برداشت غیرصحیح از وظایف و عملکرد شورای طریقت می‌باشد که شرح آن گذشت، مضافاً اینکه لازمه وجود یک شورای عالی در هر کشوری تشکیل یک لژ بزرگ مستقل است که در زمان مورد نظر مقاله مطالعات سیاسی چنین تشکیلاتی در ایران وجود نداشته و فقط دو گراند لژ ناحیه‌ای وابسته به فراماسونری انگلستان و فرانسه در این کشور فعالیت می‌کردند. ۲. بیان تأسیس شورای عالی در ۱۳۴۷ در ادامه فعالیت شورای طریقت» اشتباه دیگر این فراز از مقاله مزبور می‌باشد چرا که شورای عالی آیین اسکاتی کهن و پذیرفته شده در ۱۳۴۹ تأسیس شد، در سال ۱۳۴۷ لژ بزرگ ایران تأسیس شده بود و این لژ نیز ارتباطی با درجات عالی نداشت. مضافاً اینکه بر اساس اسناد موجود شاپیتر مولوی هیچ نقشی در این زمینه نداشت.

ه: در صفحه ۵۷ مقاله آمده: «در سال ۱۳۴۷ چهار گراند لژ (ایرانی، آلمانی، فرانسوی، انگلیسی) در ایران وجود داشتند که در درجات یک الی سه فعالیت می نمودند، طبق قوانین اساسی ماسونی جهانی این گراند لژها باید در جنب خودداری شورای طریقت و لژهای ویژه درجات عالی (شاپیتر و کارگاههای عالی تر) می بودند» این امر که هر لژ بزرگی باید در کنار خود شورای طریقت و لژهای ویژه درجات عالی داشته باشد مسئله ای است که نمی توان به تمامی لژهای بزرگ تعمیم داد، بعضی از لژهای بزرگ اصلاً اعتقادی به درجات عالی ندارند و لزومی نمی بینند که لژهای ویژه این درجات را نیز تأسیس نمایند. ضمن اینکه گراند لژهای مورد اشاره نویسنده مقاله در ایران در این زمان در ایران فعالیت نداشتند و از میان آنها فقط لژ بزرگ ایران فعال بود.

۴. «فراماسونها سلاطین بی تاج و تخت» چهارمین کتابی است که مورد بررسی قرار می گیرد، کتاب مزبور به اهتمام کانون مبارزه علیه فراماسونری و امپریالیسم و صهیونیسم (کامفراص) در اوایل انقلاب منتشر شد، اسناد ارزشمندی در خصوص فعالیت لژهای آبی یا سه درجه ای در این کتاب چاپ شده است، متأسفانه نویسندگان این اثر نتوانسته اند بین آیین های مختلف فراماسونری تفکیک قائل شوند لذا درجات فراماسونری را در کلیت خود سی و سه درجه ذکر می نمایند^۸، در همین اثر برای اثبات وابستگی سازمان فراماسونری به صهیونیسم آمده: «فراماسونها در کلاسهای درجات عالی که در اسرائیل تشکیل می شود و فقط رؤسای ماسونها در آن شرکت دارند، حقیقت و ماهیت واقعی فراماسونری را برای استاد اعظم و کسانی که در آن کنفرانس شرکت نموده اند بیان می دارند»^۹، در اسناد موجود هیچ مطلبی در این خصوص مشاهده نشد و ظاهراً منظور نویسندگان کتاب مزبور کنفرانسهای سالانه شوراهای عالی جهان می باشد که در سال ۱۳۵۵ در اسرائیل تشکیل شده بود و در سالهای قبل و بعد از این سال نیز در کشورهای دیگر تشکیل می شد و اختصاص به کشور اسرائیل ندارد البته این امر به معنی عدم وجود ارتباط فیمابین فراماسونری و صهیونیسم و یهودیت نیست.

۵. مقاله محمود عرفان در مجله یغما سال دوم شماره ۱۲: این مقاله در سال ۱۳۲۸ توسط محمود عرفان در مجله یغما و در چند شماره بچاپ رسیده و حاوی مطالبی در خصوص فراماسونری و درجات آن می باشد، وی علاوه بر اینکه در خصوص درجات

۸ فراماسونها سلاطین بی تاج و تخت (کامفراص). ص ۲۴.

۹. همان منبع: ص ۲۹.

فراماسونری دچار اشتباه شده، بسیار خوش‌باورانه با این سازمان برخورد می‌نماید، در مقاله مزبور می‌خوانیم: «به طوری که گفته شد فراماسونری چهار درجه دارد رفیق و شاگرد و معلم و استاد اعظم سی و سه رتبه در این فرقه است کسانی که به عالم انسانیت خدمتی کرده یا سالیان دراز بدون تخطی از راه و رسم فرقه زندگانی خود را گذرانده باشند به ترفیع رتبه نایل می‌شوند»^{۱۰}.

۶. برادری، تألیف استفن نایت اثر دیگری است که به بررسی آن می‌پردازیم. این کتاب ترجمه فیروزه خلعتبری بوده و توسط نشر شباویز منتشر شده است. نویسنده این کتاب درجات فراماسونری را سی و سه درجه می‌داند که سه درجه اول آن برای تمامی ماسونها قابل دسترسی است و درجات بالاتر از آن مختص خواص می‌باشد وی همچنین معتقد است که یک ماسون دارای درجه سه به جهت عدم اطلاع نسبت به درجات عالی، تعالیم خود را کامل می‌داند. نویسنده معتقد است که سه درجه اول فراماسونری تحت نظارت لژ اعظم و سی درجه بعدی تحت نظر شورای عالی قرار دارد و اعطا می‌شود^{۱۱}.

وی در خصوص درجه طاق سلطنتی نیز اعلام می‌کند که این درجه برخلاف تصور عده‌ای که آنرا درجه چهارم می‌دانند جزئی از درجه سوم می‌باشد و خود درجه مستقلی محسوب نمی‌گردد. در خصوص این مطالب قبلاً صحبت شد و در اینجا مختصراً چند نکته ذکر می‌شود، قائل شدن سی و سه درجه برای کل سازمانهای وابسته به فراماسونری همانگونه که ملاحظه نمودید صحیح نمی‌باشد، خصوصاً اینکه بگوئیم سه درجه اول قابل دسترسی همگان است و درجات بالاتر اختصاص به خواص دارد، اگر ما ملاحظه می‌کنیم که تعداد زیادی از ماسونها دارای سه درجه ابتدایی می‌باشند این به جهت گستردگی آئین رمزی است و اینکه آئین مزبور اساساً به درجه بالاتری از درجه استادی اعتقاد ندارد، ضمن اینکه ماسون دارای درجه سوم این آیین نسبت به وجود درجات عالی در سازمانها و آیین‌های دیگر مطلع می‌باشد و این گونه نیست که درجات عالی، عالمی جداگانه برای خود داشته باشند.

نکته دیگر اختصاص دادن سه درجه اولیه به لژهای بزرگ و سی درجه بعدی به شورای عالی است، در بحث رابطه لژ بزرگ ایران با شورای عالی آوردیم که هر کدام از

۱۰. محمود عرفان. فراماسونها. مجله یغما، س دوم، ش ۱۲، صص ۵۴۶-۵۴۷.

۱۱. برادری. صص ۵۴-۵۵.

این سازمانها از دیگری مستقل می‌باشد و اجازه هیچ گونه دخالتی را به یکدیگر نمی‌دهند و درجات شورای عالی عبارتست از سی و سه درجه که شرح آن گذشت در پاره‌ای از مواقع و بنابر مصالحی خاص ممکن است شورای عالی از فعالیت در سه درجه اولیه خودداری نماید و اختیار خود را در این زمینه به لژ بزرگ کشوری واگذار نماید، نمونه‌های این اقدام در ایران و فرانسه مشاهده می‌نماییم.

مسئله بعد در مورد درجه طاق سلطنتی است که به‌زعم نویسنده درجه‌ای مستقل محسوب نمی‌شود، این نظر مورد قبول فقط تعدادی از ماسونها می‌باشد و تمامی آنها در این زمینه متفق‌القول نیستند، آنچنانکه در اسکاتلند این درجه چهارمین رتبه فراماسونری محسوب می‌گردد و نه جزئی از درجه استادی، در این زمینه حتی توافقاتی فیما بین لژ بزرگ اسکاتلند و بزرگ شاپیتر عالی فراماسونری اسکاتلند به عمل آمده است.^{۱۲}

محمود محمود نویسنده کتاب هشت جلدی تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلستان در قرن نوزدهم نیز فصل شصتم از کتاب خود را که در جلد پنجم آن مندرج است و نیز فصل هشتاد و دوم از جلد هفتم کتاب مزبور را به بحث فراماسونری در جهان و ایران اختصاص داده است. نامبرده دارای مطالعات وسیع در زمینه روابط ایران و انگلستان در قرن نوزدهم بوده و به جهت درگیری در مسائل سیاسی و عضویت در حزب دمکرات فرد مطلعی محسوب می‌شود. وی در جلد پنجم کتاب خود ضمن بررسی شرح حال سید جمال‌الدین اسدآبادی متعرض این نکته می‌شود که عده‌ای مدعی‌اند سید جمال مؤسس فراماسونری در ایران بوده است و یادآوری می‌شود که در صورت صحت این امر، این موضوع را نیز باید جزو اشتباهات سید جمال به حساب آورد. به همین مناسبت شرحی از فراماسونری در جهان و خدمت این تشکیلات به مطامع استعماری انگلستان پس از تسلط یافتن انگلستان بر تشکیلات بنایی ارائه می‌نماید. او معتقد است که فراماسونها با کلمات فریبنده آزادی - برادری - برابری سراسر جهان را به آتش کشیده‌اند و دامنه این آتش به ایران، عثمانی و روسیه نیز رسیده و باعث بدبختی و سیه‌روزی این کشورها شده است.^{۱۳}

در جلد هفتم نیز آزادی مورد نظر انگلیسی‌ها و فراماسونری را سم مهلک تلقی

12. (SUPREME GRAND CHAPTER OF ROYAL ARCH ... P. 58).

۱۳. محمود محمود. تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلستان در قرن نوزدهم. اقبال، تهران، چاپ سوم، ۱۳۴۵، جلد ۵ صص ۲۴-۲۹.

نموده^{۱۴} و به تشریح مختصر اقدامات فراماسونها در جهان به خصوص مداخله آنها در انقلاب ۱۷۷۶ آمریکا، انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه و انقلاب مشروطیت ایران می‌پردازد.^{۱۵} وی همچنین متذکر نقش مخرب سه فراماسون انگلیسی یعنی سر هارفورد جونز، جیمز موریه، و جیمز فریزر در ایران عهد قاجار می‌شود.^{۱۶} محمود با تشریح چگونگی وقوع انقلاب کبیر فرانسه دوران لویی پانزدهم و شانزدهم را با دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین مقایسه نموده و نتیجه می‌گیرد که اوضاع ایران و فرانسه شباهت زیادی به هم داشته است.

وی در همین بخش به نقش ماسونها در وقوع انقلاب مشروطه که «به سود لژ نشینان سواحل رود تیمس» برپا شده بود که روسها را بترساند اشاره کرده است. وی مدعی است که پس از بلوای رژی محافل فراماسونری در ایران توسط ناصرالدین شاه تعطیل شد ولی در زمان مظفرالدین شاه و پس از عزل اتابک و عزیمت وی به قم یعنی در دوره صدارت امین‌الدوله رونق گرفت.^{۱۷} وی متأسفانه اشاره‌ای به نام این محافل ندارد. به نظر می‌رسد مراد وی لژ منسوب به محسن‌خان معین‌الملک است. وی همچنین متذکر می‌شود در توقف یک سال و نیمه اتابک در قم محفل فراماسون در تهران و سایر شهرهای مهم ایران از نو دایر شده بود و تمام رجال سرشناس درباری به این محافل راه یافته بودند... او مدعی است که علاوه بر محافل لندنی از طرف لژداران پاریس نیز در تهران لژ ایرانی دایر گردید. «دستگاه مرحوم ظهیرالدوله مربوط به فراماسون فرانسه بود»^{۱۸}. او نامی از لژهای لندنی مورد ادعای خود نمی‌برد و اضافه می‌کند که در زمان مأموریت سرآرتور هاردینگ در ایران که از سال ۱۹۰۰-۱۹۰۶ طول کشید لژهای لندنی در ایران خوب به کار افتاد و از جانب او تقویت شدند.^{۱۹} اطلاعات محمود در مجموع بسیار کلی است ولی جهت گریه‌های وی نسبت به فراماسونری و نقش مخرب آن صحیح است.

فراماسونها، روتارین‌ها و لاینزهای ایران ۱۳۳۳-۱۳۵۷، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷. آخرین و تازه‌ترین کتابی است که در خصوص فراماسونری در ایران منتشر شده است. این کتاب شامل هفتاد و سه صفحه مقدمه و ششصد و سی و هفت

۱۴. محمود محمود. همان. اقبال، تهران، چاپ سوم، ۱۳۴۵، ج هفتم، ص ۲.

۱۵. همان منبع: صص ۱-۳۸. ۱۶. همان منبع: ص ۳. ۱۷. همان منبع: ص ۴۰-۴۱.

۱۸. همان منبع: ص ۴۱. ۱۹. همان منبع: ص ۴۲.

صفحه فهرست اسامی اعضای لژهای فراماسونری، «کلوپهای روتاری» و باشگاههای لاینز در ایران است.

مسئله‌ای که در نگاه اول جلب توجه می‌نماید عنوان کتاب است که باشگاههای روتاری و لاینز را به طور کامل در کنار فراماسونری قرار می‌دهد. امروزه ثابت شده است که باشگاههای مزبور، سازمانهایی در خدمت فراماسونها بوده و نمی‌توان تمامی اعضای آن را در زمره فراماسونها به حساب آورد. در اینکه تشکیل و اداره این باشگاهها در سرتاسر دنیا در اختیار سازمان فراماسونری بوده شکّی نیست، اما لژهای فراماسونری کارکرد و ساختار خاص خود را دارا می‌باشد و از این حیث تفاوتهایی را با باشگاههای مزبور دارد. واژه لاینزهای ایران که در عنوان کتاب نیز به کار رفته در واقع نام باشگاه است و نمی‌توان در خصوص معرفی اعضا آن را به کار برد، گفتنی است که به اعضای باشگاههای لاینز به نسبت جنسیت و سن، «شیرمرد»، «شیرزن» و «شیربچه» می‌گفتند. عدم تفکیک سازمانهای مزبور از یکدیگر باعث شده که لیست طولی در معرض دید خوانندگان قرار بگیرد و این ذهنیت غلط را اشاعه بدهد که تمامی این افراد وابسته به تشکیلات فراماسونری بوده‌اند. آنچه که باید در خصوص فعالیت باشگاههای لاینز و روتاری در جهان و ایران در نظر گرفت عبارت است از:

۱. باشگاههای مزبور توسط فراماسونها تأسیس شده و اداره آنها نیز در دست این افراد می‌باشد.

۲. باشگاههای مزبور به عنوان تشکیلات بدیل لژهای فراماسونری نیست و هر کدام از این دستگاهها کارکرد خود را دارد.

۳. از آنجا که کارکرد باشگاههای مزبور مبتنی بر جذب وسیع نخبگان صنعتی و بازرگانی کشورهای جهانی است و از راز آلودگی لژهای ماسونی مبرا می‌باشد لذا نمی‌توان تمامی اعضای آن را فراماسون نامید. کما اینکه از بررسی اسامی مندرج در کتاب نیز همین نتیجه گرفته می‌شود.

ده صفحه از مقدمه کتاب اختصاص به تاریخچه پیدایش فراماسونری در جهان و تکاپوی آن دارد که در طی آن نویسنده محترم مقدمه متأسفانه نفی مطلق مذهب و اعتقادات دینی از سوی گرانداوریان را حرکتی انقلابی توصیف کرده است که واژه مناسبی برای این حرکت نیست. البته به نظر می‌رسد که این اشتباه سهواً صورت گرفته است و مراد نویسنده احتمالاً تند روی لژگرانداوریان است.

دربارهٔ تکاپوهای فراماسونری در ایران، نویسنده محترم قائل به سه دوره می‌باشد:

۱. دورهٔ اول از آغاز نفوذ فراماسونری در بین نخبگان سیاسی - علمی ایران تا روی کار آمدن رضاشاه: نویسنده محترم متأسفانه در این بخش دچار تناقض‌گویی و تحلیل نادرست از تکاپوی فراماسونری در ایران شده است. از سویی عنوان می‌کند «عضویت نخبگان سیاسی ایران عصر قاجاریان به دور از وابستگی‌های سیاسی - اقتصادی و فرهنگی به دولتهای مادر - متروپل - انگلیسی و فرانسه نبود. بلکه مدهوشی و مسخ شدگی برخی از متفکران و سیاستمداران قاجاری در برابر تمدن پر زرق و برق غرب و سیاست فعال آنها، از ایشان سرسپردگانی بسیار مطمئن برای تامین منافع نظام سرمایه‌داری ساخته بود.»^{۲۰} و بلافاصله اضافه می‌کند: «تکاپوی فراماسونری در دوره قاجاریان را [می‌توان] مبتنی بر اندیشه آزادیخواهی، تجددخواهی و اصلاح‌طلبی و مبارزه با استبداد قاجاری قلمداد کرد. حضور فعال فراماسونها در انقلاب مشروطیت نمادی روشن از نحوه فعالیت انقلابی آنها می‌باشد.»^{۲۱} نویسنده محترم روشن نمی‌کند که سرسپردگی به استعمار چه سنخیتی با انقلابیگری دارد. ایشان گمان می‌کنند هر سازمان و شخصی که در مقابل قاجاریان مبارزه کرده و از خود مخالفتی نشان داده است صرف‌نظر از اهداف آن، انقلابی تلقی می‌شود. روند انحراف نهضت عدالتخواهانه مردم ایران را که توسط اصحاب فراموشخانه‌ها صورت گرفت چگونه می‌توان انقلابیگری نامید. نویسنده محترم مدعی است که با تغییر حکومت و استقرار دولت آزادیخواه مبتنی بر اصول و شیوه‌های حکومتی غربی، اندیشه فراماسونری نیز از روند انقلابیگری به محافظه‌کاری تغییر پیدا می‌کند.^{۲۲} ایشان ظاهراً به ثمر ننشستن آرمانهای نهضت مشروطیت را در ایران در نتیجه رویکرد لژهای ماسونی به محافظه‌کاری و رویگردانی آنان از انقلابیگری می‌دانند که جای تأمل دارد و خود بیانگر تحلیل نادرست ایشان از وقایع نهضت مشروطه در ایران است. نویسنده در ادامه بحث در خصوص مقطع اول تکاپوی فراماسونری در ایران به تشکیل «انجمن شبه ماسونی فراموشخانه» در ۱۲۷۵ / ۱۸۵۸ اشاره می‌کند^{۲۳} که صحیح نمی‌باشد، فراموشخانه ملک‌خان در ۱۲۷۴ قمری در تهران تأسیس شد.

در ادامه همین مبحث نویسنده دچار آشفتگی‌نویسی در خصوص زمان رویکرد ایرانیان

۲۰. فراماسونها، روتارین‌ها و لایزدهای ایران مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۱۶.

۲۱. همان منبع: ص ۲۰.

۲۲. همان منبع.

به فراماسونری و اصلاحات سیاسی شده و می‌نویسد: «تکاپوی فراماسونری در ایران تا زمان میرزا ملکم‌خان منحصر به عضویت ایرانیان سرشناس و سفرای اعزامی و بازرگانان، آن هم در سطحی بسیار محدود، در لژهای اروپا، عثمانی و هندوستان بود. اما شکستهای پی در پی ایران از روسیه در صحنه‌های نظامی و تحمیل قراردادهای ننگین به ایران، برخی از روشنفکران و تحصیل کردگان را به علت‌یابی و ریشه‌جویی این ضعفها واداشت و در نهایت آنها استبداد شاهی و نبودن قانون، مجلس و آزادی را عامل این ضعفها معرفی کردند. میرزا ملکم‌خان رساله‌ای تحت عنوان «کتابچه غیبی»... نوشت... میرزا ملکم‌خان در مقابل این دسیسه‌ها و توطئه‌ها ساکت ننشسته... علاوه بر کتابچه غیبی به تقلید از اصول «فراماسونری فرانسه» فراموشخانه‌ای دایر کرد که...^{۲۴}

اینجانب متوجه نشدم که چه ارتباطی بین تکاپوی فراماسونری تا زمان ملکم‌خان با رویکرد روشنفکران ایرانی به آسیب‌شناسی نظام سیاسی قاجاری وجود دارد که به این نحو توسط نویسنده محترم در پی هم مورد اشاره قرار گرفته است و ظاهر جمله ایشان حاکی از این است که تکاپوی فراماسونری در ایران تا زمان ملکم‌خان دارای ویژگی خاصی بوده اما بعد از آن تغییر یافته است. شکستهای پی در پی ایران از روسیه که تا ۱۲۳۲ قمری ادامه یافت چه ارتباطی با دوره ملکم‌خان دارد.

به تصریح منابع و حتی مفاد مقاله خود ایشان اولین ایرانی، یعنی عسکرخان افشار ارومی در ۱۲۲۲ قمری وارد تشکیلات فراماسونری در فرانسه شد و این خود آغاز مرحله اول مورد اشاره ایشان از تکاپوی فراماسونری در ایران است که مصادف با حوادث تلخ مقابله نظامی ایران و روسیه است. نویسنده محترم هیچ اشاره‌ای به ویژگی تکاپوی فراماسونری در دوره ملکم‌خان نمی‌کند. نویسنده همچنین اشاره می‌کند که ملکم کتابچه غیبی را تهیه کرد و علاوه بر آن فراموشخانه را نیز دایر نمود. لازم به ذکر است که کتابچه غیبی در ۱۲۷۵ یا ۱۲۷۶^{۲۵} نوشته شده در حالی که فراموشخانه ملکم در ۱۲۷۴ دایر گردید. سال انحلال فراموشخانه نیز برخلاف نظر نویسنده ۱۲۷۸ می‌باشد نه ۱۲۷۷ قمری و یا ۱۲۸۷ که هر دو تاریخ در این منبع ذکر شده است.^{۲۶} نویسنده همچنین مجمعی آدمیت را با جامع آدمیت خلط کرده می‌نویسد: مجمع شبه

۲۴. همان منبع: صص ۲۰-۲۱.

۲۵. حجت‌الله اصل. زندگی و اندیشه میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله. نشر نی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۰۶.

۲۶. فراماسونها، روتارین‌ها و لایزهای ایران. ص ۲۲.

ماسونی آدمیت توسط یکی از پیروان و هواداران میرزا ملکم‌خان به نام عباسقلی‌خان قزوینی آدمیت زیر نظر و راهنمایی وی به وجود آمد و در واقع، دنباله کار فراموشخانه بود.^{۲۷} «به هر حال مجمع آدمیت و اعضای آن شاهد عینی پیروزی انقلاب مشروطه‌خواهی و گشایش مجلس شورای ملی بوده است.^{۲۸} مجمع آدمیت سالها قبل از این تاریخ مضمحل شده بود و این جامع آدمیت بود که در این تاریخ فعالیت داشته است. نویسنده بدون اشاره به مشی خاص عباسقلی‌خان که موجب بروز انشعاب در جامع آدمیت و نهایتاً انحلال آن شد مرگ ملکم‌خان و بدبینی محمدعلی شاه به آدمیت را در جریان پرتاب بمب به کالسکه شاه عوامل انحلال جامع آدمیت معرفی می‌کند می‌داند.^{۲۹} نویسنده در ثبت نام لژ بیداری ایران نیز دچار اشتباه شده و نام لژ را «لژ بیداری ایرانیان» عنوان می‌نماید، همچنین در خصوص فعالیت لژ و انحلال آن نیز دچار اشتباه شده و عنوان می‌دارد: با گذشت اندکی از عمر لژ بیداری محمدعلی شاه... لژ را تعطیل کرد، لژ کمی پس از کودتای محمدعلی شاه و سرکوب جنبش مشروطیت بار دیگر از نو زنده شد اما نپایید و به طور دائمی به دستور وی ممنوع و منحل شد.^{۳۰} براساس اسناد موجود لژ بیداری تا سال ۱۳۱۹ شمسی فعالیت داشت و با کشته شدن دبیر خود ارباب کیخسرو شاهرخ در این سال در محاق تعطیلی قرار گرفت. پس از وقایع شهریور بیست لژ مجدداً فعالیت خود را آغاز کرد اما دیری نپایید که تعطیل شد. نویسنده به اشتباه مدعی است که محمدعلی شاه به عضویت لژ بیداری درآمد.^{۳۱} تشکیلاتی که محمدعلی شاه به عضویت آن درآمد جامع آدمیت بود و نه لژ بیداری.

۲. دوره دوم تکاپوی فراماسونری در ایران عصر رضاشاه تا سال ۱۳۳۲ می‌باشد که نویسنده از آن به عنوان دوران فترت یاد کرده است. نویسنده معتقد است که لژهای ماسونی در این دوره فعالیت رسمی نداشتند. اگر مراد ایشان از رسمیت، فعالیت آشکار ماسون‌هاست، این امر با ویژگی اصلی فراماسونری که پنهان کاری و نهان روشی است در تضاد است و اگر که مراد ایشان عدم وجود لژهای رسمی به معنی لژهای تأیید شده توسط سازمان فراماسونری جهانی در ایران است که این هم مقرون به صحت نمی‌باشد. فعالیت لژ روشنایی، لژ پیشاهنگ و لژ مسجد سلیمان در جنوب ایران حتی در سالهای اولیه نهضت ملی شدن نفت، فعالیت لژ بیداری ایران تا ۱۳۱۹ و پس از شهریور بیست و

۲۷. همان منبع.

۲۸. همان منبع: ص ۲۳.

۲۹. همان منبع.

۳۰. همان منبع: ص ۲۴.

۳۱. همان منبع: ص ۲۷.

فعالیت شاپیترهای سیروس شماره ۶۸۶ و شاپیتر کوروش شماره ۴۹۸ در سالهای حکومت رضاشاه^{۳۲} و عضویت ایرانیانی نظیر حسن سراج حجازی در این سازمان‌ها بیانگر این است که لژهای فراماسونری در خلال سالهای مورد نظر نویسنده همچنان فعال بودند. فعالیت جدی لژ پهلوی نیز که از سال ۱۳۳۰ شمسی آغاز شد بیانگر تلاش گسترده ماسون‌ها در دوره فترت!! است.

۳. دوره سوم تکاپوی فراماسونری از دیدگاه نویسنده از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی است. اما نویسنده در ابتدای همین مبحث به تشریح فعالیت لژ پهلوی از ۱۳۳۰ می‌پردازد و به اشتباه عنوان می‌دارد که لژ پهلوی وابسته به لژ بزرگ شرق فرانسه بود^{۳۳}، در حالی که لژ پهلوی وابسته به «محفل بزرگ ایده‌آلی جهانی» بود. نویسنده مدعی است که تلاشهای اولیه برای تأسیس لژ پهلوی به واسطه همکاری ماسون‌های قدیمی (اعضای باقیمانده از لژ بیداری) و رزم‌آرا عقیم ماند^{۳۴}، اما برای این ادعای خود مدرکی ارائه نکرده‌اند. و همچنین مدعی شده‌اند که لژهای ماسونی در دهه پنجاه از رونق چندانی برخوردار نبوده است،^{۳۵} تأسیس شورای عالی ماسونی در ۱۳۴۹ و ایجاد دهها محفل مربوط به آن در دهه پنجاه و چندین لژ وابسته به لژ بزرگ ایران عدم صحت این ادعا را اثبات می‌کند. در معرفی لژهای این دوره نیز نویسنده دچار اشتباهات متعددی شده است که عبارتند از: «حضور فعال سه مادر لژ اروپایی به نام لژ بزرگ شرق فرانسه، لژ بزرگ لندن و اسکاتلند انگلیس، اتحادیه بزرگ لژهای آلمانی»^{۳۶} باید گفت که در این دوره علاوه بر گراند اوریان فرانسه، لژ بزرگ ملی فرانسه نیز در ایران فعالیت داشته و به مراتب از شرق اعظم فعال‌تر بوده است. مضافاً اینکه لژ بزرگ اسکاتلند در ایران فعالیت داشت و نه لژ بزرگ لندن که عنوان درست آن عبارتست از: «لژ بزرگ متحده انگلستان».

نویسنده اشتباه خود را در زمینه منشأ تأسیس لژ پهلوی تکرار کرده و آن را منسوب به فراماسونری فرانسه می‌داند^{۳۷}. در حالی که لژ پهلوی فرمان تأسیس خود را از لژ بزرگ ایده‌آلی جهانی مصر دریافت کرد. نویسنده مدعی است که پس از انحلال لژ پهلوی در ۱۳۳۴ حدود چهل و دو لژ در ایران تشکیل یافت که از جمله آنها از لژ روشنایی در ایران

۳۲. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران: اسناد حسن سراج حجازی و فراماسونها سلاطین بی‌تاج و تخت. ص ۳۸.

۳۳. فراماسونها، روتارین‌ها و... ص ۲۹.

۳۴ و ۳۵. همان منبع: ص ۳۰.

۳۶. همان منبع: ص ۳۵-۳۶.

۳۷. همان منبع: ص ۳۶.

نام می‌برد^{۳۸}. لژ روشنایی در اواخر دوران قاجار تأسیس و تا ۱۳۵۷ شمسی فعالیت داشت و به جز یک دوره یک ساله توقف به شکل کاملاً فعال در صحنه تکاپوی فراماسونری در ایران حضور داشت. در زمینه تشکیل لژ مولوی نیز نویسنده محترم دچار اشتباه شده و آن لژ را وابسته به «لژ بزرگ ملی شرق فرانسه» می‌داند و محمد خلیل جواهری را از بانیان اصلی آن به شمار می‌آورد^{۳۹}. در پاسخ باید گفت که نام دقیق لژ فرانسوی «لژ بزرگ ملی فرانسه» بود که در تضاد با «لژ بزرگ شرق فرانسه» قرار داشته و جواهری نیز از بانیان اصلی لژ مولوی نبود. همین اشتباه در خصوص لژ ابوعلی سینا نیز تکرار شده است^{۴۰}. همچنین نام لژ لافرانس را «دوفرانس» نیز ذکر کرده‌اند که اشتباه است^{۴۱}.

در بحث مربوط به شورای عالی حوزه کارکرد شورای عالی را درجات چهارده تا سی و سه ذکر کرده‌اند^{۴۲} که اشتباه است. شورای عالی بر اعطای درجات چهار تا سی و سه نظارت دارد. همچنین در این بخش عنوان شده که شورای عالی ایران تحت نظارت شورای عالی فرانسه قرار داشته^{۴۳} که صحیح نیست، شورای عالی فرانسه از زمان تأسیس شورای ایران دیگر نظارتی بر این سازمان نداشته است. همچنین در معرفی شایسته‌های فعال در ایران از ذکر شماره‌های آنها خودداری شده است که صحیح نیست^{۴۴}.

در بخش مربوط به باشگاههای روتاری و لاینز نویسنده لژهای ماسونی را ابزار کهنه و قدیمی تلقی کرده و باشگاههای مزبور را شکل تجدیدنظر شده فراماسونری تلقی می‌نماید^{۴۵}. به نظر می‌رسد این تحلیل چندان مقرون به صحت نباشد. فعالیت شدید لژهای ماسونی تا زمان حاضر در سرتاسر دنیا بیانگر این نکته می‌باشد که این دستگاهها هر کدام کارکرد خود را دارند مضافاً اینکه باشگاههای مزبور نیز محل جولان فراماسونهایی است که در سطحی وسیع و آشکار همکاری تعداد زیادی را در راستای اهداف خود جلب نموده‌اند. در بخش مربوط به باشگاهها لاینز، واژه لاینز شیرمرد^{۴۶} ترجمه شده است که اشتباه است لاینز یعنی شیر و شیرمرد به عضو باشگاه لاینز اطلاق می‌شود.

۳۸. همان منبع: ص ۳۷. ۳۹. همان منبع: صص ۳۷-۳۸.

۴۰ و ۴۱. همان منبع: ص ۳۹.

۴۲. همان منبع: ص ۴۱.

۴۳. همان منبع: صص ۴۸-۵۰.

۴۴. همان منبع: ص ۶۳.

۴۵. همان منبع: ص ۵۴.

لیست الحاقی به کتاب که در واقع اصل کتاب را تشکیل می‌دهد نیز دارای نواقصی است که فقط به صفحه اول آن اشاره می‌نمایم. حمید آب آب عضو لژ خوزستان بود که با معرفی علی اکبر مرعشی پور و تأیید احمد امام در ۵۱/۷/۱۴ وارد لژ مزبور شد. در لیست کتاب نام لژی، تاریخ ورود و معرفین وی ذکر نشده است^{۴۷}. علی آبتین عضو لژهای کاوه و خورشید نیز بوده که در لیست کتاب فقط لژ ستاره سحر ذکر شده است.^{۴۸}